تفاوت شرطیت یقین در عالم انشاء با مدیریت امتثال

شاگرد: شرطیتآن در چه مرحلهای انشاء میشود؟ اینکه شما میفرمایید بین شرط وجوب و شرط صحت تفاوت میگذارند از کجا است. یعنی اگر یقین نباشد صحیح نیست. این گزاره را در چه مرحلهای انشاء میکند؟ از کجا میفهمیم که صحیح نیست؟

استاد: اصل اینکه روزه بر چه کسی واجب میشود، اگر بگوییم طبیعی مکلف است، طبیعی صوم و برای تحقق طبیعی شهر است؛ همه اینها افراد دارند. هم طبیعی صوم افراد دارد و هم ماه مبارک افراد دارد و هم مکلفین زیاد هستند. اولی که میخواهد انشاء وجوب صوم شود بین این طبیعیها رابطه برقرار میشود. مکلف با طبیعی سر و کار دارد. بعد که میگویی وقتی شما میخواهید انشاء من را انجام دهید برای اینکه اثر بر آن بار شود و صحیح باشد و از تو بپذیرم باید چیزهایی را اعمال کنی. در اینجا دو راه دارد. مثلاً میگوییم بر مسافر روزه واجب نیست. صحیح هم نیست.

اگر یادتان باشد در صوم این را مطرح کردم، بهخصوص در صوم شیخ و شیخه. خود من هم اول یادم نبود. بعد که به من جزوهای را دادند دیدم که گفته بودم. ولو الآن یادم نبود. ولی این یک واقعیتی است؛ صوم شیخ و شیخه شبیه قطاع ای قِطاع است که مرحوم خواجه برای آن یک رساله نوشتهاند. قطاع الدایره. یک رساله نوشتهاند که نزدیک نیم میلیون حکم تنها مربوط به قطاع دایره است. رساله خواجه معلوم است. کشف القناع عن وجه القِطاع. اینکه در اینجا قَطاع هم گفته میشود را نمیدانم. ببینید نیم میلیون! وقتی صوم شیخ و شیخه به ذهنم میآید برای من این تبادر میکند.

> 11:41

یعنی شما بهعنوان اینکه میخواهید فقیه باشید و فقه کار کنید، اگر روی صوم شیخ و شیخه تأمل کنید میبینید یک میلیون حکم به ذهنتان میآید. در آن خیلی از لطائف هست. برای همه هم واضح است. مورد فتوا است و همه هم شنیدهاند. روزه بر شیخ و شیخه واجب است یا نیست؟ واجب نیست. خب آیا بر آنها حرام است؟ مثل مریض میگویی اصلاً امر ندارد؟ شیخ و شیخه میگویی امر دارند یا ندارند؟ میگویی بر آنها روزه واجب نیست، خب اگر امر ندارد اگر روزه گرفتند فایده ندارد. اما شما میگویی قطعاً جایز است. بلکه اگر نگرفت و بعداً متمکن شد، برخی احتیاط دارند و برخی فتوا دارند که بگیرد.

خب حال سؤال این است: وقتی شیخ و شیخه روزه می‌گیرند –بدعت هم نیست و قطعاً خوب است؛ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ... وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ[1]- امتثال همان امر «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ[2]» است یا روزه ی دیگری با امر دیگری است؟ به ارتکاز خودتان رجوع کنید. پیرمرد و پیرزن همان روزه واجب در شریعت –ماه مبارک- را می‌گیرند؟ یا چیز دیگری را می‌گیرند؟ خب روزه ماه مبارک که واجب است؟ او که قصد وجوب ندارد؛ خداوند متعال که بر او واجب نکرده. یجوز جوازا. چطور جمع کنیم؟!

قبلاً عرض کردم احکام خیلی لطیف فقهی در همین مسأله شیخ و شیخه هست. به شرطی که روی آن تأمل کنید. اگر روی آن تأمل کنید دهها لطائف فقهی و اصولی از همین یک فرد به دست می‌آورید. شیخ و شیخه شرط وجوب را ندارد اما شرط صحت را دارند. بین این‌ها ملازمه نیست. شرط وجوب ندارد چون شیخ است. اما شرط صحت را دارد. یعنی اگر بگیرد صحیح است. مریض علی المشهور نه شرط وجوب را دارد و نه شرط صحت. حتی مرض واقعی را هم می‌گیرد. فتوا به این صورت هست. البته محل کلام است. ولی مشهور به این صورت است که اگر بعداً معلوم شد که مریضی برای او ضرر داشته می‌گویند امر واقعی نداشته؛ ولو روزه را در حال مریضی گرفته بعداً باید قضا کند. مشهور به این صورت گفته‌اند. یعنی [عدم] مرض واقعی، شرط وجوب و صحت است. [عدم] سفر هم به همین صورت است. یعنی هم شرط وجوب و هم شرط صحت است.

آقای ان‌شاءالله در اینجا فرمودند رؤیت و یقین به ماه مبارک ولو می‌تواند شرط وجوب نباشد –که صاحب کفایه فرمودند شرط وجوب هست- اما شرط صحت هست. حال آیا شرط وجوب یا صحت است؟ باید به ادله مراجعه کنیم. ولی تفاوت حرف ایشان با صاحب کفایه این است که شرط صحت به محدوده بعد از انشاء اولیه و وقت مدیریت آن انشاء اولیه می‌آید.

---

[1] البقره ۱۸۴

[2] همان ۱۸۵

بازبینی #1
ایجاد شده 8 ژوئن 2026 15:33:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژوئن 2026 15:34:42 توسط ... .